

عوامل تأثیرگذار بر روابط جمهوری خلق چین و رژیم اسرائیل (۲۰۲۰-۲۰۱۳)

مجید عباسی^۱
مصطفی هاشمی^۲

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

نوع مقاله: علمی

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۲/۱۱/۰۱ تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۳/۰۳/۱۳

^۱. نویسنده مسئول، دانشیار روابط بین‌الملل، دانشگاه علامه طباطبائی Email: dr.majidabbasi@gmail.com

^۲. دانشجوی دکتری روابط بین‌الملل، دانشگاه علامه طباطبائی Email: m_hashemi63@yahoo.com

چکیده

با پایان جنگ سرد و افزایش اهمیت عامل اقتصادی در روابط بین‌الملل و اهمیت جایگاه قدرت ژئواکونومیک، کشورها به سوی همکاری با شرکای تازه‌ای گام برداشتند. یکی از نمودهای همکاری‌ها در فضای جدید، شکل‌گیری روابط دیپلماتیک، اقتصادی و نظامی میان چین و رژیم اسرائیل بود. این روابط البته حساسیت‌هایی را در واشنگتن برانگیخت و با کارشکنی‌های آمریکا، همکاری‌های دوجانبه چین و رژیم اسرائیل با رکود نسبی چند ساله روبرو شد. با این حال، طرفین در سال‌های آغازین دهه ۲۰۱۰ تصمیم گرفتند با درک محدودیت‌های موجود و توجه به حساسیت‌های واشنگتن، روابط خود را بازسازی کنند. این پژوهش در پی پاسخ‌گویی به این پرسش است که عوامل تأثیرگذار بر روابط چین و رژیم اسرائیل در بازه زمانی ۲۰۲۰-۲۰۱۳ چه بوده است؟ فرضیه این پژوهش آن است که اولویت بخشی به عوامل و نیازهای اقتصادی، بازرگانی و فن‌آوری در هر دو سوی این روابط، موجب گسترش همکاری‌ها در بازه‌ی مورد اشاره با وجود چالش‌ها و محدودیت‌هایی موجود در این راه بوده است. در این راستا، یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که برخی عوامل چون طرح «یک کمربند - یک راه»، افزایش نقش و ارتقای جایگاه چین در اقتصاد جهانی، مکمل بودن اقتصادی دو طرف و نیاز رژیم اسرائیل به تنوع بخشی شرکای بازرگانی موجب پیشبرد روابط دوجانبه در بازه مورد اشاره بوده است. این پژوهش از نوع مقالات توصیفی-تحلیلی است و از روش پژوهش کیفی مبتنی بر پردازش داده‌های اسنادی و کتابخانه‌ای بهره‌برداری شده است.

• واژگان کلیدی

اقتصاد جهانی، روابط بازرگانی، رژیم اسرائیل، چین، روابط خارجی.

مقدمه

با افزایش اهمیت و نقش عوامل اقتصادی در عرصه روابط بین‌الملل در دهه‌های گذشته، توان اقتصادی کشورها به یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌های قدرت در جهان تبدیل شده است. در این راستا، کشورها صرف نظر از اختلاف دیدگاه نسبت به مسائل گوناگون بین‌المللی و بدون توجه به پیشینه ایدئولوژیک و حتی اتحادهای گذشته و کنونی خود، تلاش می‌کنند برای بیشینه‌سازی قدرت اقتصادی و در نتیجه رفاه و امنیت شهروندانشان با دیگر کشورها همکاری کنند و از این راه، زمینه‌های تازه‌ای برای جذب سرمایه، افزایش صدور کالا و خدمات و تأمین نیازمندی‌های خود فراهم آورند.

همکاری میان جمهوری خلق چین و رژیم اسرائیل از جنس همکاری‌هایی است که تنها در دوران جهانی شدن اقتصادی و غلبه رویکرد بازار محور بر عرصه اقتصاد و سیاست جهانی امکان تحقق یافته است. در یک سوی این همکاری کشور چین قرار دارد که در دوران جنگ سرد به عنوان یکی از قطب‌های سوسیالیسم به شمار می‌رفت و داعیه سروری و راهبری جهانی کشورهای تازه استقلال یافته و یا با رویکرد مستقل از دو ابرقدرت ایالات متحده آمریکا و شوروی را داشت. در سوی دیگر، رژیم اسرائیل یعنی یکی از نزدیکترین شرکا و متحدان ایالات متحده آمریکا در دوران جنگ سرد و پسا جنگ سرد جای می‌گیرد.

جمهوری خلق چین و رژیم اسرائیل از سال ۱۹۹۲ روابط دیپلماتیک خود را به صورت رسمی آغاز نمودند. روابط غیررسمی دو طرف البته پیش از این، از نیمه دوم دهه ۱۹۸۰ در چارچوب همکاری‌های نظامی آغاز شده بود. سال‌های دهه ۱۹۹۰ تا سال ۲۰۰۶ روابط دوجانبه میان چین و رژیم اسرائیل بر همکاری‌های نظامی متمرکز بود و بیشتر مراودات بازرگانی دوجانبه بر همین مبنا بر صدور تجهیزات و انتقال فن‌آوری نظامی از رژیم اسرائیل به چین و واردات کالاهای ارزان قیمت ساخت چین نظیر پارچه، لباس و مواد خام متمرکز بود. با قدرتیابی چین در نظام جهانی، از اواخر دهه ۱۹۹۰ تا سال ۲۰۰۶، مراودات رژیم اسرائیل با این کشور در بخش نظامی موجب بروز حساسیت‌هایی در واشنگتن شد. با اعمال فشار ایالات متحده به رژیم اسرائیل برای لغو دو قرارداد نظامی فاکون و هارپی با چین، روابط دوجانبه میان پکن-تل‌آویو به سردی گرایید. دو طرف پس از چند سال رکود نسبی در همکاری‌ها، از سال ۲۰۱۳ و با انتخاب شی جین‌پینگ به‌عنوان رئیس‌جمهور چین، الگوی نوینی از همکاری‌ها را در پیش گرفتند.

این پژوهش در پی پاسخ‌گویی به این پرسش است که چه عواملی بر روابط میان چین و رژیم اسرائیل در بازه زمانی ۲۰۲۰-۲۰۱۳ تأثیرگذار بوده است؟ فرضیه‌ای که در پاسخ و در چهارچوب نظریه نئولیبرالیسم مطرح می‌شود آن است که؛ اولویت‌بخشی به عوامل و نیازهای اقتصادی، بازرگانی و فن‌آوری در هر دو سوی این روابط موجب گسترش همکاری‌ها در بازه مورد اشاره با وجود چالش‌ها، محدودیت‌ها و ملاحظات سیاسی موجود، بوده است. در سامان‌دهی این مقاله از شیوه پژوهش کیفی بهره برداری شده و با استفاده از روش کتابخانه‌ای-اسنادی، داده‌های مورد نظر گردآوری، پالایش و مورد استناد قرار گرفته است. مبنای قرار گرفتن سال ۲۰۱۳ به این دلیل است که در این سال، همزمان با انتخاب شی جین پینگ به ریاست جمهوری چین، این کشور برنامه جدید پیشرفت در عرصه فن-آوری و نوآوری را عرضه داشت و در سوی مقابل، نتانیاهو نخست وزیر رژیم اسرائیل با طرح ضرورت متنوع‌سازی شرکای تجاری، توجه ویژه‌ای به گسترش روابط با کشورهای شرق و جنوب شرق آسیا به ویژه چین مبذول داشت.

ادبیات پیشین

در زمینه تحلیل و بررسی روابط میان جمهوری خلق چین و رژیم اسرائیل مقالات اندکی به زبان فارسی نگاشته شده است. در یکی از این مقالات، شیخ الاسلامی و همکاران (۱۳۹۸) با بررسی روابط چین و رژیم اسرائیل در چهارچوب نظریه واقع‌گرایی، تلاش نموده‌اند ضمن بررسی اهمیت فن-آوری‌های برتر رژیم اسرائیل در تداوم و گسترش این روابط، تصویری کلی از حساسیت‌های ایالات متحده در این زمینه ارائه نمایند.

شماری از آثار نگاشته شده به زبان فارسی در این زمینه، روابط چین و رژیم اسرائیل را از دریچه تأثیر آن بر همکاری‌های میان جمهوری اسلامی ایران و چین مورد بررسی قرار داده‌اند. به‌عنوان نمونه، سیروس حاجی زاده (۱۴۰۱) در مقاله‌ای با بررسی روابط چین و رژیم اسرائیل در یک بستر تاریخی، ضمن واکاوی انگیزه‌ها و دلایل دو طرف برای گسترش همکاری‌ها، اگر چه بر عمل‌گرایی در سیاست خارجی و تلاش چین در راستای داشتن روابطی متوازن با ایران و رژیم اسرائیل اذعان می‌نماید، اما، در مجموع تأثیر افزایش مراودات این دو را بر منافع و امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران به‌ویژه در آینده، منفی ارزیابی می‌کند.

ادبیات موجود در زبان انگلیسی با موضوع روابط چین و رژیم اسرائیل را می‌توان به دو دسته کلی تقسیم کرد. کتاب‌ها و مقالاتی که به بررسی سیر تحول روابط میان جمهوری خلق چین و رژیم

اسرائیل پرداخته و تصویری کلی از وضعیت کنونی همکاری‌های میان دو طرف و عرصه‌های با ظرفیت همکاری دوجانبه ارائه می‌دهند. آثار "شیرا افرون"^۱ و "دیگران" (۲۰۱۹) و "اساف اوریون و گالیا لاوی"^۲ (۲۰۱۹) را می‌توان در این دسته جای داد.

کتاب «روابط چین و رژیم صهیونیستی: فرصت‌ها و چالش‌ها» که اساف اوریون و گالیا لاوی ویراستاری آن را بر عهده داشته‌اند، در قالب مجموعه مقالاتی به بررسی زمینه‌های گوناگون همکاری و چالش‌های موجود در روابط به نسبت نوپای میان جمهوری خلق چین و این رژیم پرداخته و با تحلیل نقاط مستعد افزایش تعامل دوجانبه، پیشنهادهایی برای گسترش روابط به سیاست‌مداران و تصمیم‌سازان این رژیم ارائه می‌دهد (Orion and Lavi, 2019).

شیرا افرون و همکاران در کتابی با عنوان «تکامل روابط چین و اسرائیل» به گسترش پرشتاب روابط میان این دو در زمینه‌های گوناگون دیپلماتیک، بازرگانی و سرمایه‌گذاری، علمی و آموزشی و گردشگری در سال‌های به ویژه پس از ۲۰۰۰ پرداخته و به فرصت‌های ناشی از گسترش این روابط دوجانبه و در عین حال چالش‌های ناشی از آن برای رژیم اسرائیل به ویژه در ارتباطاتش با ایالات متحده آمریکا می‌پردازد. این کتاب با بررسی روابط با چین از منظر رژیم صهیونیستی، تلاش دارد فرصت‌ها و چالش‌های این تحولات را برای ایالات متحده آمریکا نیز آشکار سازد (Efron and others, 2019).

دسته دیگر آثار نگاشته شده درباره روابط چین و رژیم اسرائیل، آن را با در نظر داشتن متغیر «تأثیر آن بر روابط این رژیم با ایالات متحده آمریکا» مورد بررسی قرار داده است. به‌عنوان نمونه؛ "مردخای خزیزا"^۳ در مقاله‌ای با عنوان «ورود روابط رژیم اسرائیل و چین به مرحله‌ای نوین» با اشاره به گسترش شتابان روابط میان این دو در عرصه‌های گوناگون از زمان پایه‌گذاری روابط دیپلماتیک در سال ۱۹۹۲، در چهارچوب نظریه "مصون‌سازی"^۴ به تلاش جمهوری خلق چین در زمینه گسترش روابط با اسرائیل و تأثیر آن بر سلطه واشنگتن بر منطقه غرب آسیا می‌پردازد و این گونه نتیجه می‌گیرد که این روابط دوجانبه محدود به عرصه‌های اقتصادی و فن‌آوری است و نمی‌تواند جایگزینی برای روابط ویژه و راهبردی میان رژیم اسرائیل با ایالات متحده آمریکا باشد (Chaziza, 2017).

1. Shira Efron

2. Assaf Orion and Galia Lavi

3. Mordechai Chaziza

4. Hedging

در پژوهشی دیگری در این زمینه، "ژیچون ژو"^۱ به ضرورت‌های برآمده از تجدید ساختار و ارتقای سطح اقتصاد چین در سال‌های اخیر و نگاه چین به دولت صهیونیستی به‌عنوان یکی از اجزای مهم ابتکار «کمربند راه» در منطقه غرب آسیا به‌عنوان دو مؤلفه مهم احساس نیاز چین به رژیم اسرائیل می‌پردازد و با اشاره به افزایش سرمایه‌گذاری شرکت‌های چینی در بخش‌های گوناگون زیرساختی در قلمرو دولت صهیونیستی، به نگرانی ایالات متحده آمریکا از این تحولات و نیز افزایش نفوذ چین در خاورمیانه می‌پردازد. نویسندگان در ادامه به وضعیت رژیم اسرائیل مانند شمار دیگری از کشورها به‌عنوان طرف سومی که در میانه رقابت فزاینده ایالات متحده آمریکا و چین گرفتار شده است، اشاره می‌کند (Zhiqun ZHU, 2019). با مرور ادبیات فوق، می‌توان ادعا کرد که نوآوری این پژوهش در توصیف دقیق ابعاد روابط چین و رژیم اسرائیل و بررسی پیامد این رابطه بر امنیت ملی ایران است.

چارچوب نظری

نئولیبرالیسم در وهله نخست نظریه‌ای در مورد شیوه‌هایی در اقتصاد سیاسی است که معتقد است با گشودن راه برای تحقق آزادی‌های کارآفرینانه و مهارت‌های فردی در چارچوبی نهادی - که از ویژگی‌های آن حمایت از حقوق مالکیت خصوصی قدرتمند، بازارهای آزاد و تجارت آزاد است - می‌توان رفاه و بهروزی انسان را به سطح بالایی ارتقا داد و نقش دولت در این میان ایجاد و حفظ یک چهارچوب نهادی مناسب برای عملکرد این شیوه می‌باشد (توحیدفام، ۱۳۸۲: ۱۱۵-۱۱۲).

رویکرد نئولیبرالیسم یا نهادگرایی نئولیبرال تلاشی نظری برای سازش میان لیبرالیسم و واقع‌گرایی به شمار می‌رود. نهادگرایان نئولیبرال نیز مانند نواقح‌گرایان به نقش کشورها و قدرت آن‌ها در نظام بین‌الملل اذعان دارند. از دید این گروه، کشورها بازیگرانی عاقل هستند که در صدد به حداکثر رساندن منافع خود می‌باشند. مهم‌تر این‌که، آنان نیز نظام بین‌الملل را آنارشیک و فاقد مرجع اقتدار مرکزی می‌دانند، ولی به‌دنبال توضیح شرایطی هستند که در آن همکاری‌های بین‌المللی در شرایط آنارشیک تسهیل می‌شود. به نظر قائلین به این نظریه، آنارشی مساوی و مترادف عدم همکاری نیست. لذا اگر با اندیشیدن به برخی سازوکارها و راهبردها بتوان به‌گونه‌ای از میزان بی‌اعتمادی کاست و هزینه‌های فریب‌کاری را افزایش داد، امکان حصول همکاری بین‌المللی میان کشورهای خودپرست نیز وجود دارد.

^۱. Zhiqun ZHU

بنابراین، از یک طرف با اتخاذ راهبردهای تکرار تعامل (بازی)، ایجاد سایه‌ی آینده، معامله به مثل و پیوند موضوعی و از طرف دیگر با تأسیس نهادها و رژیم‌های بین‌المللی که امکان عملی شدن راهبردهای مذکور در آن‌ها وجود دارد، می‌توان بر مشکل فریب‌کاری و عهدشکنی غلبه کرد. با انجام بازی‌های مکرر و استمرار تعامل میان کشوری، امکان مقابله به مثل افزایش می‌یابد و سایه‌ی آینده به وجود می‌آید که به نوبه خود هزینه‌ی فریب‌کاری را افزایش می‌دهد. در چنین شرایطی، بازیگران بر اساس تحلیل هزینه و سود، منفعت کوتاه مدت ناشی از عهدشکنی و فریب‌کاری را فدای سود فزون‌تر همکاری دراز مدت خواهند کرد و دست به شروع و ادامه همکاری می‌زنند. پیوند موضوعی نیز امکان اجرا و اعمال راهبرد تلافی این به جای آن^۱ را به کشورهای همکاری کننده می‌دهد. به این صورت که؛ کشوری که در یک حوزه موضوعی فریب خورده و زیان دیده، قادر است در یک حوزه موضوعی دیگر تلافی کند. با امکان تلافی در حوزه‌های موضوعی گوناگون، هزینه‌ی عهدشکنی و فریب‌کاری نیز افزایش می‌یابد (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۸۲: ۱۱۶-۷۳).

هنگامی که دولت‌ها با آگاهی از منافع مشترک و ارزش‌های مشترک عمل کنند، به یکدیگر مرتبط می‌شوند. حضور گسترده‌ی بازیگران در نهادهای بین‌المللی و پذیرش ارزش‌ها و هنجارهای جهانی ایجاب می‌کند که نیاز به همکاری‌های همه‌جانبه افزایش یابد. نقش وسیع‌تر بین‌المللی طبیعتاً منجر به این می‌گردد که موضوعات مورد دغدغه‌ی کشورها افزایش یابد و تنوع و تعدد موضوعات به لحاظ گستره موجب می‌شود که تمامی موضوعات از اهمیت و ارزش والا برخوردار گردد. این بدان مفهوم است که تمایز میان «سیاست سفلی»^۲ و «سیاست والا»^۳ به شدت کاهش می‌یابد. در این صورت تأکید بر ماهیت صرفاً نظامی به منزله اولویت والا، اهمیت خود را از دست می‌دهد و موضوعات ماهیت سلسله مراتبی خود را از دست داده و به جای آنکه تماماً از دیدگاه نظامی-امنیتی مورد توجه گیرد؛ آن‌ها با توجه به شرایط از اهمیت برخوردار می‌گردند. فقدان سلسله مراتب در اهمیت دادن به موضوعات و موقعیتی بودن اهمیت موضوعات، شرایط همکاری را گسترش می‌دهد؛ به گونه‌ای که در عین وجود تعارض در یک سو، می‌توان در سوی دیگر شاهد تلاش برای گسترش همکاری بود (دهشیار، ۱۳۸۲: ۹۶۲-۹۵۹).

در واقع نتولیبیرالیسم تحلیل خود از همکاری‌های بین‌المللی را بر اساس پیش فرض عقل‌گرایی پی‌ریزی می‌کند. کشورها موجودیت‌های واحد و عاقلی فرض می‌شوند که به دنبال ارتقا و افزایش

1. Tit-for-Tat

2. Low Politics

3. High Politics

منافع ملی شان هستند (Keohane & Nye, 1987: 728-9). نئولیبرالیسم تصور می‌کند که کشورها، خودپرست هستند. خودپرستی به این معناست که کشورها بدون در نظر گرفتن فواید و سودی که نصیب کشورهای دیگر می‌شود، سعی می‌کنند تنها فواید و سود خودشان را به حداکثر برسانند. یعنی «کارکردهای مطلوبیت و فایده کشورها، مستقل از یکدیگر است. آنها فواید را در نتیجه سود یا زیان دیگران از دست ندادند، یا به دست نمی‌آورند» (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۷۷: ۵۷۴). در زمینه سیاست خارجی مدافعان نئولیبرالیسم، طرفدار تجارت آزاد یا بازارهای باز و ارزش‌ها و نهادهای دموکراتیک هستند. در واقع بسیاری از دولت‌ها پیش از فروپاشی شوروی و بسیاری دیگر از دولت‌های تازه تاسیس پس از فروپاشی این کشور، گاه داوطلبانه و در مواردی در واکنش به فشارهای جبری، هر یک به گونه‌ای به گروهی پیوستند که به وسیله ایالات متحده آمریکا سرپرستی می‌شد و به دنبال گسترش جامعه دولت‌ملت‌های مردم سالار یا سرمایه داری بود. برجسته شدن مسائل اقتصادی پس از فروپاشی شوروی و چرخش مؤلفه‌های قدرت ملی از نظامی به اقتصادی، موجب گردید تا مسائل اقتصادی و همچنین توسعه در صدر توجهات سیاستمداران قرار گیرد؛ (توحیدفام و تهرانی زاده، ۱۳۸۸: ۶۷-۶۶).

در نتیجه، از دهه پایانی سده بیستم به این سو همکاری‌های اقتصادی کشورها به گونه‌ای متفاوت در قالب منطقه‌گرایی‌های نوین و با عضویت در سازمان‌ها و نهادهای بین‌المللی به پیش رفته و در راستای آن، میزان همکاری میان کشورها در حوزه‌های مختلف نیز گسترش یافت؛ به گونه‌ای که، با توجه به اوج گیری روند جهانی شدن و وابستگی متقابل کشورها به یمن پیشرفت‌های فن‌آوری و پیدایش موج جدیدی از پیشرفت در علوم اطلاعات و ارتباطات، دولت‌ها دیگر بدون تعامل با یکدیگر قادر به رفع نیازمندی‌های خود در عصر پیشرفت و فن‌آوری نیستند. بنابراین، حیطة همکاری آن‌ها نیز در بخش‌های گوناگون گسترش یافته و از حوزه‌ای به حوزه دیگر سرایت می‌نماید.

تاریخچه روابط چین و رژیم اسرائیل

چین حتی پیش از شکل‌گیری رژیم اسرائیل، نظر رهبران صهیونیسم بین‌الملل را به خود جلب کرده بود. به گونه‌ای که بن‌گوریون در دهه ۱۹۳۰ اعلام کرد کشور چین یکی از قدرت‌های بزرگ آینده جهان خواهد بود (Israel International Relations, 2021). اگر چه دولت ملی‌گرای چین به فاصله چند ماه پس از شکل‌گیری موجودیت رژیم اسرائیل، این رژیم را به رسمیت شناخت؛ اما این کشور به قطعنامه ۱۸۱ مجمع عمومی سازمان ملل متحد در سال ۱۹۴۷ موسوم به قطعنامه تقسیم یا تصمیم‌گیری درباره دولت آینده فلسطین رای ممتنع داد (The Origins and Evolution of Palestine Problem, 1978). پس از آن در تاریخ ۹ ژانویه ۱۹۵۰، در پی پیروزی نیروهای کمونیست بر ملی-

گرایان و اعلام جمهوری خلق چین، رژیم اسرائیل در اقدامی جسورانه، متفاوت با دیگر کشورهای بلوک غرب و برای نخستین بار در خاورمیانه نظام حکومتی کمونیستی چین را به رسمیت شناخت و روابط با تایوان را به سطح غیررسمی و غیردولتی فرو کاست. روابط میان رژیم اسرائیل و تایوان از این مقطع بنا به ملاحظات تایوان در زمینه احتراز از ایجاد نارضایتی در میان کشورهای عرب خاورمیانه مخالف دولت کمونیستی چین، به صورت پنهانی و با تمرکز بر بخش بازرگانی ادامه یافت. با تسلط دولت کمونیستی چین بر سرزمین اصلی این کشور (منهای جزیره تایوان)، جمهوری خلق چین در پاسخ به اقدام رژیم اسرائیل حاضر به رسمیت شناختن این رژیم نشد و در فضای جنگ سرد خود را در جایگاه رهبر جهان سوم به عنوان پشتیبان قضیه فلسطین یعنی یکی از مهم ترین موضوعات این گروه از کشورها تعریف نمود (Israel International Relations, 2021).

چین تا سال ۱۹۸۰ از اعطای روادید به شهروندان رژیم صهیونیستی اسرائیل خودداری می کرد، مگر آنکه این افراد دارای تابعیت مضاعف می بودند و گذرنامه کشور دیگری در اختیار می داشتند. با این حال، در دهه ۱۹۷۰ دو رویداد موجب تغییرات ژئوپلیتیک بزرگی در دوران جنگ سرد شد که به نوبه ی خود بر روابط میان چین و رژیم اسرائیل نیز تأثیر گذاشت. در این دهه با فاصله گرفتن چین از اتحاد شوروی، زمینه برای نزدیکی به ایالات متحده به عنوان نیروی موازنه بخش در برابر شوروی ایجاد شد. در پی برقراری روابط رسمی دیپلماتیک میان چین و آمریکا، دولت کمونیستی چین اقدام به برقراری روابط غیررسمی با رژیم اسرائیل نیز نمود. چین و رژیم اسرائیل در دهه ۱۹۸۰ ابتدا پیوندهای نظامی غیررسمی با یکدیگر برقرار نمودند و نخست وزیر وقت این رژیم در سال ۱۹۸۷، دستور ایجاد نخستین شرکت بازرگانی دولتی برای برقراری و تقویت روابط بازرگانی با چین را صادر کرد. در این مقطع، کنسولگری رژیم اسرائیل در هنگ کنگ رابط میان دو کشور بود و نخستین پیوندهای رسمی دوجانبه با همکاری در بخش فن آوری های نظامی آغاز شد. روند همکاری های نظامی - بازرگانی اولیه با تأسیس دفاتر نمایندگی «خدمات مسافرت ملی چین»^۱ در تل آویو و «آکادمی علوم و بشریت رژیم اسرائیل»^۲ در پکن ادامه یافت و سرانجام دو طرف در سال ۱۹۹۲ نسبت به گشایش سفارت خانه در پکن و تل آویو و آغاز روابط رسمی دیپلماتیک اقدام نمودند (Israel International Relations, 2021).

از سال ۱۹۷۹ که نخستین تماس های رسمی میان رژیم اسرائیل و چین شکل گرفت، روابط دو طرف بر پایه همکاری های نظامی به ویژه فروش تجهیزات نظامی رژیم اسرائیل به چین پایه گذاری

1. China National Travel Service

2. Israel Academy of Sciences and Humanities

شد. این روند در سال‌های پس از برقراری روابط دیپلماتیک با شتاب بیشتری پیگیری شد. چین در بازه مورد اشاره به دو دلیل عمده علاقه‌مند به گسترش روابط با رژیم اسرائیل بود: نخست آن‌که با توجه به فرسودگی تجهیزات نظامی چین که در آستانه جنگ این کشور با ویتنام به وضعیت وخیمی رسیده بود، مقام‌های این کشور را به روزآمد نمودن این تجهیزات با بهره‌گیری از فن‌آوری رژیم اسرائیلی علاقه‌مند نمود. دوم آن‌که؛ رژیم اسرائیل با توجه به جنگ‌های عرب خاورمیانه به شناخت خوبی از فن‌آوری و تجهیزات نظامی مورد استفاده این کشورها دست یافته بود. دانشی که می‌توانست پاسخ‌گوی نیاز به نوسازی و تعمیر تجهیزات نظامی با فن‌آوری شوروی مورد استفاده ارتش چین باشد. در نتیجه، رژیم اسرائیل به‌طور هم‌زمان پاسخ‌گوی نیاز به نوسازی و بهسازی تجهیزات نظامی قدیمی چین و نیازمندی‌های تازه این کشور به فن‌آوری روز نظامی بود.

در دهه ۱۹۹۰ و پس از گشایش رسمی سفارت خانه‌ها، رژیم اسرائیل به منبع مهمی برای تأمین تجهیزات نظامی با فن‌آوری بالای مورد نیاز چین تبدیل شد و در عین حال، این روابط از همان سال‌های آغازین نگرانی‌هایی را در واشنگتن برانگیخت. در سال‌های پایانی این دهه و در پی امضای قرارداد فروش هواپیماهای فالکون آواکس^۱ میان چین و این رژیم، از آن جایی که این رادار پرنده برتری چشم‌گیری به پکن در برابر تایوان در زمینه توانمندی دفاعی می‌داد، واشنگتن به تکاپو افتاد تا از اجرایی شدن آن جلوگیری نماید. یکی از دلایل اعمال تحریم‌های مشترک ایالات متحده آمریکا و اتحادیه اروپا علیه پکن در سال ۱۹۹۸، ترس آمریکا از گسترش مراودات نظامی پکن-تل‌آویو بود. این قرارداد با وجود انجام سفر سال ۲۰۰۰ جیانگ زمین^۲ رئیس‌جمهور وقت چین به تل‌آویو و وعده‌های مکرر مقام‌های رژیم به پایبندی به قرارداد، با فشار ایالات متحده آمریکا در نهایت اجرایی نشد. در رویدادی مشابه در اواخر سال ۲۰۰۴ و اوایل ۲۰۰۵ وزیر خارجه وقت چین از رژیم اسرائیل دیدار کرد و با انتشار خبرهایی مبنی بر موافقت رژیم اسرائیل با تعمیر و نوسازی پهپادهای هارپی که در سال ۱۹۹۴ به چین فروخته بود، صداهای مخالف در آمریکا بار دیگر با ادعای خطر این قرارداد برای امنیت تایوان بلند شد و مقام‌های تل‌آویو از این قرارداد اقتصادی بار دیگر صرف نظر کردند. البته، رژیم اسرائیل به‌خاطر لغو دو قرارداد نظامی مجبور به پرداخت غرامت به چین شد (Shai, 2009: 27-28).

انجام دیدارهای متقابل مقام‌های برجسته سیاسی رژیم اسرائیل و چین از سال ۱۹۹۰ به بعد، نشان دهنده اهمیت روابط دوجانبه و روند رو به‌رشد آن در این سال‌ها بوده است. هرتزگ^۳ (۱۹۹۴)،

1. Phalcon AWACS

2. Jiang Zemin

3. Herzog

وایزمن^۱ (۱۹۹۹)، کاتساو^۲ (۲۰۰۳)، شیمون پترز^۳ (۲۰۰۸ و ۲۰۱۴)، نخست وزیر رابین^۴ (۱۹۹۵)، بنجامین نتانیاهو^۵ (۱۹۹۸ و ۲۰۱۳)، ایهود المرت^۶ (۲۰۰۷) به چین سفر کردند. لی پنگ^۷ رئیس پیشین کنگره مردمی ملی و جیانگ زمین رئیس جمهور چین نیز در مقابل در سال‌های ۱۹۹۹ و ۲۰۰۰ از سرزمین‌های اشغالی فلسطین دیدار داشتند.

از سال ۲۰۰۵، روابط اقتصادی میان دو کشور از تمرکز بر فروش تجهیزات نظامی و با فن‌آوری بالای رژیم اسرائیلی به چین و واردات کالاهایی نظیر مواد خام، تجهیزات الکترونیک و پارچه و لباس از آن کشور، تغییر کرد و وارد مرحله تازه‌ای شد. از این مقطع می‌توان گفت تمرکز همکاری‌های دوجانبه از همکاری دفاعی به گسترش همکاری‌های اقتصادی و بازرگانی منتقل شد.

با دو رویداد ناخوشایندی که بر سر قراردادهای فروش فالتکون آواکس و هارپی به چین روی داد، روابط چین و رژیم اسرائیل پس از سال ۲۰۰۵ بیشتر بر پایه همکاری‌های اقتصادی پایه‌گذاری و یا به تعبیری بهتر بازتعریف شد. در پانزده سال اخیر، روابط سیاسی دوجانبه نیز به آرامی پیشرفت کرده و پیوندهای محدود نظامی همچنان باقی مانده است. در این سال‌ها مهم‌ترین عامل پیشرفت و گسترش پیوندهای دو کشور علاقه چین به فن‌آوری‌های پیشرفته صهیونیست‌ها و تمایل این رژیم به دسترسی به بازار چین بوده است (Efron & others, 2019: 20).

علاقه رژیم اسرائیل به افزایش پیوند اقتصادی با چین دست کم به همان اندازه متقابل چین است. نخست آن‌که؛ این تمایل با تشخیص چرخش به شرق اقتصاد جهانی و مطابق با این برداشت است که پیوستن به این روند برای تداوم رشد اقتصادی کشورها حیاتی است. بنیامین نتانیاهو، نخست وزیر رژیم اسرائیل در سال ۲۰۱۴ در این باره گفت که خیزش اقتصادی آسیا به‌ویژه چین به همراه پیشرفت اینترنت و فراگیر شدن استفاده از آن، مهم‌ترین تحولات اقتصاد جهانی بوده است. دوم آن‌که؛ صعود چین به جایگاه اقتصاد جهانی، تل‌آویو را وادار به تقویت روابط با پکن نمود. بر اساس گفته نتانیاهو، «رژیم اسرائیل باید یک دسته منافع و علایق (مشترک) با همه کشورها داشته باشد. به‌عنوان نمونه؛ چین خیلی به فن‌آوری رژیم اسرائیل علاقه مند است... رژیم اسرائیل باید شماری منافع و شراکت‌ها با قدرت‌های جهانی شکل دهد» (Efron & others, 2019: 28).

1. Weizmann

2. Moshe Katsav

3. Shimon Peres

4. Yitzhak Rabin

5. Benjamin Netanyahu

6. Ehud Olmert

7. Li Peng

دولت نتانیاهاو از سال ۲۰۱۳ اشتیاق زیادی به گسترش پیوندها با چین از خود نشان داد و از سرمایه‌گذاری شرکت‌های این کشور در پروژه‌های زیرساختی استقبال نمود. مهم‌ترین انگیزه‌های رژیم اسرائیل برای این تغییر رویکرد، گسترش روابط دیپلماتیک و اقتصادی با چین به‌عنوان دارنده سریع‌ترین رشد در میان اقتصادهای بزرگ جهان و تنوع بخشی به مقاصد صادراتی و منابع جذب سرمایه‌گذاری در کنار شرکای سنتی این کشور یعنی ایالات متحده آمریکا و اروپا بوده است. رژیم اسرائیل در این زمینه در سال ۲۰۱۳ بخشنامه شماره ۲۵۱ با موضوع گسترش روابط چین- رژیم اسرائیل را تصویب نمود. این بخشنامه سپس با دستورالعمل‌های بعدی به سرعت برنامه کار وزارت-خانه‌های مختلف برای کار با شرکت‌های چینی را روشن نمود.

بخش اقتصاد غیر نظامی جنبه مطمئنی برای پایه‌ریزی و گسترش روابط دوجانبه به‌شمار می‌رفت. بنابراین؛ در دیدار ماه می سال ۲۰۱۳ نتانیاهاو از پکن - ۶ سال پس از سفری در این سطح- به‌طور عمده مسائل اقتصادی در دستورکار قرار داشت. وزارت خارجه رژیم اسرائیل به این منظور اقدام به گشایش چهار کنسول‌گری در چین نمود که در هر یک از این‌ها بخش اقتصادی فعال‌ترین قسمت آن بود و چین را پس از ایالات متحده به دومین کشور میزبان بیشترین نمایندگی‌های دیپلماتیک این رژیم تبدیل نمود (Efron, Schwindt & Haskel, 2020: 31).

رژیم اسرائیل و ابتکار «کمر بند راه»

دولت چین در پایان سال ۲۰۱۳ از طرح ابتکاری «کمر بند راه» رونمایی و در اکتبر ۲۰۱۴ بانک سرمایه‌گذاری زیرساخت آسیایی^۱ را راه اندازی نمود. اگر چه دولت صهیونیستی در آغاز موضع‌گیری مشخصی درباره این ابتکار نداشت؛ اما، پیش از پایان مهلت پیوستن به بانک زیرساخت آسیایی یعنی ۳۱ مارس ۲۰۱۵، به‌عنوان یکی از ۷ کشور متأخر به ۵۷ عضو بنیان‌گذار این نهاد مالی پیوست. با امضای درخواست پیوستن به این بانک از سوی بنیامین نتانیاهاو، رژیم اسرائیل در واقع دیدگاه مثبت خود نسبت به ابتکار تازه اقتصادی چین را اعلام داشت. سپس ایزرائلی کاتز^۲ وزیر حمل و نقل این رژیم در مراسم امضای حق امتیاز ۲۵ ساله پروژه جدید بندرگاهی حیفا به گروه بندر بین‌المللی شانگهای^۳ با تمجید از ابتکار راه ابریشم جدید اعلام کرد که رژیم اسرائیل در حال توسعه شتابان پروژه‌های زیرساختی و عمرانی است و برای ساخت پروژه‌های فرودگاهی، بندرگاهی، بزرگراه و خط

¹. Asian Infrastructure Investment Bank (AIIB)

². Israely Katz

³. Shanghai International Port Group

آهن سالانه به حدود ۴۰ میلیارد دلار سرمایه گذاری نیازمند است. زمینه‌ای که با توجه به ظرفیت‌های موجود، می‌تواند در راستای منافع دوجانبه باشد (Xiao, 2018: 13).

در راستای رویکرد مثبت دولت نتانیاهو به ابتکار راج، شرکت‌های چینی در بازه ۲۰۱۴ تا ۲۰۱۵ قرارداد دو پروژه بزرگ در بخش زیرساخت‌های رژیم اسرائیل را امضا کردند: پروژه فنی و مهندسی ساخت تأسیسات بندرگاه جدید اشدود به‌عنوان یکی از بزرگترین پروژه‌های رژیم اسرائیل در حوزه زیرساخت به ارزش کلی ۹۳۰ میلیون دلار که هم‌زمان بزرگترین پروژه دریافتی شرکت‌های چینی در بازارهای فرامنطقه‌ای نیز به‌شمار می‌رود. با اجرای این پروژه، بندر اشدود با ظرفیت ۱ میلیون کانتینر به مهم‌ترین بندرگاه جنوب سرزمین‌های اشغالی تبدیل خواهد شد. مراسم امضای قرارداد این پروژه بندرگاهی با حضور نخست وزیر و وزیر دارایی رژیم اسرائیل، شهردار اشدود و سفیر وقت چین در تل آویو در اکتبر ۲۰۱۴ برگزار شد (Wang, Mao & Gou, 2014: 227-249). مراسمی سطح بالا که نشان از اهمیت پروژه برای هر دو کشور داشت.

گروه بندر بین‌المللی شانگهای دومین پروژه بزرگ دریافتی چین در رژیم اسرائیل را با قرارداد حق امتیاز بهره برداری ۲۵ ساله از بندر جدید واقع در خلیج حیفا در می ۲۰۱۵ به‌دست آورد. این پروژه بر اساس برنامه‌ریزی‌ها با ظرفیت ۱/۸۶ میلیون کانتینر قرار بود که در سال ۲۰۲۰ تکمیل شود. این پروژه علاوه بر آن‌که با سرمایه‌گذاری ۲ میلیارد دلاری شرکت چینی قرار است به بزرگترین بندرگاه در سرزمین‌های اشغالی تبدیل شود؛ با قرارگیری در مسیر حمل و نقل بین‌المللی کالا، مرکزی برای ترانزیت دریایی نیز خواهد بود (Xiao, 2018: 14).

پروژه دیگری که در چهارچوب طرح راه ابریشم جدید مد نظر دولت چین قرار دارد؛ ساخت و نوسازی خط آهن ایلات- تل آویو موسوم به «خط آهن تندرو دریای سرخ-مدیترانه» است که به طول ۳۵۰ کیلومتر - ۲۶۰ کیلومتر تنها نیازمند بازسازی- زمان مسافرت از شمال به جنوب سرزمین‌های اشغالی را از ۵ ساعت کنونی با خودرو را با قطارهای تندرو با حداکثر سرعت ۲۵۰ کیلومتر، به ۲ ساعت کاهش می‌دهد. این طرح برای رژیم اسرائیل اهمیت اقتصادی بالایی دارد: با اجرای این پروژه خط آهن افزون بر تسهیل ارتباط میان شمال و جنوب سرزمین‌های اشغالی، توسعه بخش جنوبی بیابانی نقب شتاب خواهد گرفت و بندر ایلات با جمعیت ۴۸ هزار نفری کنونی می‌تواند به شهری بزرگتر و پذیرای ۱۵۰ هزار نفر باشد. از دیدگاه ارزش راهبردی نیز این طرح برای سران رژیم و بازرگانی جهانی واجد اهمیت است؛ زیرا با اتصال زمینی اوراسیا از طریق ایجاد خط آهن میان دریای سرخ به مدیترانه، کانال سوئز زمینی ایجاد و در واقع رقیب این گذرگاه راهبردی دریایی به‌شمار خواهد رفت. پروژه

مهمی که بنیامین نتانیاهو آن را از طرح‌های دارای اولویت بر شمرد و کابینه رژیم اسرائیل در سال ۲۰۱۲ اجرای آن را به تصویب رساند. بر اساس گفته نتانیاهو، «در سال‌های آینده فشار زیادی به‌خاطر افزایش بازرگانی دریایی بین‌المللی بر روی کانال سوئز خواهد بود و مسیر زمینی میان ایلات-اشدود بخشی از بار کانال سوئز را کم می‌کند». همچنین، از جمله دیگر دلایل توجیهی این طرح، هزینه دموارژ بالای کانتینرها در کانال سوئز، ایجاد مسیری ارزان‌تر در صورت بسته شدن این کانال برای جلوگیری از دور زدن قاره آفریقا از سوی کشتی‌ها و تنوع بخشی به مسیرهای بازرگانی ذکر شده است (Williams, 2012).

این پروژه از دیدگاه چین نیز اهمیت راهبردی دارد. با اجرایی شدن این مسیر زمینی، کالاهای چینی نه تنها از کانال سوئز که با استفاده از مسیری کمکی و جایگزین هم می‌توانند به شمال آفریقا و اروپا از طریق دریای مدیترانه برسند. از منظر اقتصادی اجرای این طرح با مشارکت شرکت‌های چینی به معنای ایجاد فرصت‌های تازه برای سرمایه‌گذاری و تجربه‌اندوزی در دیگر کشورها و کسب سود، پیشرفت قابلیت‌ها، فن‌آوری و سرانجام ایجاد فرصت‌های شغلی تازه برای مهندسان و کارگران چینی است (Xiao, 2018: 16). با دید مثبت و منافع متقابلی که دو طرف از این طرح انتظار دارند، زمینه اجرای آن -اگر چه با تاخیری چند ساله- آماده است. دو پروژه بندرگاهی اشدود و حیفا در واقع کار آماده‌سازی زمینه و پروژه مقدماتی برای این طرح کلان همکاری دوجانبه به‌شمار می‌رود.

همکاری در زمینه کشاورزی زمینه دیگری برای کار مشترک در چهارچوب ابتکار راه ابریشم جدید به‌شمار می‌رود که دو طرف بر سر آن به اجماع رسیده‌اند. وزرای کشاورزی چین و رژیم اسرائیل در سال ۲۰۱۴ یادداشت تفاهمی برای همکاری در این زمینه در چهارچوب این طرح امضا کردند. وانگ یانگ^۱ معاون نخست وزیر چین در دیدار نوامبر ۲۰۱۴ از تل‌آویو همکاری در بخش کشاورزی را دارای ظرفیت‌های زیادی برشمرد که می‌تواند با بهره‌گیری از ظرفیت‌های مکمل منافع بزرگی را برای هر دو طرف به ارمغان آورد. این مقام بلند مرتبه دولت چین، خواستار تعمیق روابط دوجانبه در این زمینه شد. در حالی که در دیگر بخش‌های همکاری به ویژه سرمایه‌گذاری در زمینه عمرانی و زیرساخت‌ها، این شرکت‌های چینی هستند که برای گسترش همکاری به خارج کشور می‌روند، همکاری در بخش کشاورزی با چین نیازمند حضور شرکت‌های صهیونیستی در این کشور است. دانش و فن‌آوری رژیم اسرائیل در زمینه کشاورزی یکی از پیشرفته‌ترین‌های جهان است. تمرکز این برنامه‌ها بیشتر بر کار مشترک در زمینه آوردن فن‌آوری پیشرفته رژیم اسرائیل در بخش

¹. Wang Yang

سامانه های آبیاری کم مصرف، زراعت و دانش کشت، اصلاح نژاد و کاشت گیاهان و فن آوری پرورش دام به چین بوده است. در این راستا دو طرف طرح هایی مانند «پروژه های همکاری نمونه کشاورزی خشک/کم آب» در شین جیانگ^۱ و مزرعه نمونه رژیم اسرائیل- چین در فوجیان^۲ را اجرا کردند. شمار این پروژه های همکاری مشترک در بخش دانش فن آوری کشاورزی بسیار زیاد و در استان های مختلف چین پراکنده است (Xiao, 2018: 17-18).

یکی دیگر از پروژه های مهم همکاری، کمک رژیم اسرائیل به چین برای کشاورزی در مناطق بیابانی و نیمه بیابانی است. با توجه به شتاب گیری تغییرات اقلیمی و در چشم انداز نه چندان روشن مقابله مؤثر با این پدیده آب و هوایی، دولت چین در صدد است تا با بهره گیری از فن آوری های پیشرفته کشاورزی در اقلیم بیابانی و نیمه بیابانی امنیت غذایی شهروندان در سال های پیش رو را تضمین کند. به ویژه آن که؛ بخشی از قلمرو این کشور مناطق بیابانی و نیمه بیابانی است. پروژه یانگ لینگ^۳ یکی از دو طرح عمده ملی چین برای کاربست فن آوری های سطح بالا و پیشرفته کشاورزی در مناطق خشک به شمار می رود. شهر یانگ لینگ از روستایی چند هزار نفری به شهری ۲/۹ میلیون نفری با گردش مالی ۱۰۰ میلیارد یوانی تبدیل شده و این موضوع با توجه به اقلیم خشک منطقه، تهدیدهایی را متوجه آینده امنیت غذایی شهر ساخته است. در پاسخ به این تهدید مقام های محلی با دعوت از ۲۰۰۰ دانشجوی مستعد با ایده ها و فن آوری های نوین کشاورزی از ۷۰ کشور تلاش نموده اند راه های کارا و بهینه ای را برای رویارویی با این چالش پیدا کنند. با این حال؛ پروژه رژیم اسرائیل مستقل و متمایز از مشارکت دیگر کشورها است. این پروژه جامع بر روی کشت هم زمان و در کنار هم گونه های متفاوت غلات، سبزی ها، محصولات مختلف جالیزی و جوانه ها کار می کند که مدیریت آب رسانی و تغذیه گیاهان در آن با بهره گیری از فن آوری های نوین به طور خودکار انجام می شود. پروژه ای که بر اساس گفته های مسئولان طرح در روش آبیاری بارانی بیش از ۵۰٪ و در روش قطره ای بیش از ۷۰٪ صرفه جویی در مصرف آب نسبت به روش های سنتی آبیاری، ۷۰ تا ۸۰ درصد صرفه جویی در استفاده از کودهای شیمیایی و ۹۰٪ کاهش نیروی کار مورد نیاز را در پی داشته و این پروژه همکاری مشترک به طور کلی ۳۰ درصد بهره وری را بالاتر برده است (Jeremy Bob, 2019).

1. Xinjiang

2. Fujian

3. Yang ling

سرمایه‌گذاری چین در سرزمین‌های اشغالی

سرمایه‌گذاری چین به‌طور کلی در کشورهای توسعه یافته صورت می‌گیرد و در حالی که کشورهای در حال توسعه معمولاً محل فعالیت شرکت‌های عمرانی و ساخت‌وساز چینی هستند (Scissors, 2018). اما رژیم اسرائیل از این قاعده کلی مستثنی است. چین در رژیم اسرائیل هم بخش‌های مختلف سرمایه‌گذاری کرده و هم شرکت‌های عمرانی خود را فعال کرده است.

از ۹۲ مورد قرارداد سرمایه‌گذاری چین در رژیم اسرائیل، پنج قرارداد برای اجرای پروژه‌های ساخت و ساز در بازه ۲۰۰۷ تا ۲۰۱۸ بوده و ۸۷ مورد نیز سرمایه‌گذاری در بازه ۲۰۱۱ تا ۲۰۱۸ در این کشور صورت گرفته است. ارزش مجموع قراردادهای ساخت و ساز ۴ میلیارد دلار و سرمایه‌گذاری در بخش فن‌آوری، زیست پزشکی، کشاورزی و سرمایه‌گذاری خطر پذیر^۱ شرکت‌های چینی در رژیم اسرائیل به ۱۲/۹ میلیارد دلار می‌رسد. بخش فن‌آوری رژیم اسرائیل با جذب ۵/۷ میلیارد دلار سرمایه از ۵۴ شرکت چینی در بازه زمانی ۲۰۱۱-۲۰۱۸ پذیرای بیشترین سرمایه دریافتی از این کشور بوده است. پس از فن‌آوری، بخش کشاورزی با جذب ۵/۳ میلیارد دلار در جایگاه دوم قرار دارد. بخش عمده‌ای از سرمایه‌گذاری چین در بخش کشاورزی رژیم، مربوط به خرید شرکت آداما (ماختشیم آگان)^۲ از سوی شرکت کمچاینا به ارزش ۳/۸ میلیارد دلار بوده است (Doron, 2019: 70-73). آمار سرمایه‌گذاری در بخش شرکت‌های مخاطره‌پذیر به‌طور عمده با بخش فن‌آوری و زیست فن‌آوری هم‌پوشانی دارد و نمی‌توان تفکیک درستی در این زمینه انجام داد.

در بخش عمرانی افزون بر قراردادهای امضا شده در دست اجرا، شرکت‌های دولتی چین چهار پروژه ساخت‌وساز بزرگ را در قلمرو دولت صهیونیستی به انجام رسانده‌اند که هر چهار مورد مربوط به بخش زیر ساخت‌های حمل‌ونقل بوده است؛ الف) پروژه گسترش بندر اشدود؛ ب) ساخت یک پایانه جدید در بندر حیفا با حق بهره‌برداری و اداره ۲۵ ساله؛ ج) ساخت و بهره‌برداری از پروژه تراموا و قطار شهری تل‌آویو و د) قرارداد حفاری تونل‌های گیلون و گرمیل^۳ (Efron, Schwindt & Haskel, 2020: 65-66).

حضور شرکت‌های چینی در بخش زیرساخت و سرمایه‌گذاری در سرزمین‌های اشغالی البته با چالش‌های زیادی نیز روبرو بوده است. بیش از یک دهه پس از مخالفت صریح و اعمال فشار ایالات متحده بر رژیم اسرائیل برای محدودسازی همکاری‌های نظامی این رژیم با چین، این بار همکاری‌های

¹. Venture Capital firms (VC investment)

². Adama previously known as MachtshimAGan

³. Gilon and Carmel tunnels

چین و رژیم اسرائیل در زمینه سرمایه‌گذاری به‌ویژه حضور شرکت‌های چینی در بخش زیرساخت‌های رژیم حساسیت‌های زیادی را در واشنگتن برانگیخته است. به‌گونه‌ای که دولت ایالات متحده به‌طور علنی رژیم اسرائیل را از مشارکت دادن بیشتر رقیب آسیایی‌اش در بخش زیرساخت‌ها بر حذر داشت. مایک پومپئو وزیر خارجه وقت ایالات متحده آمریکا -در سفری که در اوت ۲۰۲۰ به سرزمین‌های اشغالی فلسطین داشت- درخواست‌های ایالات متحده از رژیم اسرائیل برای کاهش روابط با چین را در محورهای زیر بیان کرد:

الف) ایالات متحده از رژیم اسرائیل می‌خواهد تا یادداشت تفاهمی در زمینه فن‌آوری نسل پنجم ارتباطات راه دور (با آمریکا) امضا کند که به روشنی راه مشارکت شرکت‌های چینی در پروژه‌های زیرساختی در حوزه ارتباطات راه دور را مسدود سازد.

ب) ایالات متحده از رژیم اسرائیل می‌خواهد سازوکار نظارتی‌اش بر سرمایه‌گذاری چین را روزآمد کند. این سازوکار اکنون داوطلبانه است و هیچ قدرتی برای ابطال قراردادهای ندارد. اما ایالات متحده می‌خواهد سازوکاری مؤثر را شاهد باشد.

ج) ایالات متحده از این واقعیت که بسیاری از شرکت‌های با مالکیت چینی برای دریافت پروژه‌های عمرانی بزرگ (در رژیم اسرائیل) هنوز در حال رقابت هستند، ناخرسند است (Ravid, 2020).

البته حساسیت ایالات متحده نسبت به روابط چین و رژیم اسرائیل دست کم سه علت عمده دیگر نیز دارد. نخستین نگرانی به ارتباط میان شرکت‌های چینی فعال در بخش عمران و ساخت‌وساز رژیم اسرائیل با ارتش و دولت این قدرت آسیایی بر می‌گردد. ارتباطی که می‌تواند اطلاعات مورد نیاز ارتش و دولت چین را از طریق این شرکت‌ها به آن کشور منتقل نماید. موضوعی که یکی از مقام‌های بلندپایه دفاعی رژیم اسرائیلی نیز به آن اشاره می‌کند. به گفته این مقام، پروژه قطار شهری و تراموای تل‌آویو از نزدیکی ناحیه کیریا^۱ - جایی که مرکز نیروهای نظامی رژیم اسرائیل قرار دارد- می‌گذرد. این موضوع به چین فرصت آن را می‌دهد تا بر آن نظارت کند. برای حفاظت از این منطقه اگرچه تمهیدات سایبری اندیشیده شده، اما این اقدامات برای پیشگیری از مخاطرات آتی ناپسند است. نگرانی دیگر آمریکا مربوط به موضوعات امنیتی، حریم شخصی و سانسور اطلاعات است. این نگرانی ایالات متحده به ویژه در قرارداد پروژه راه‌اندازی نسل پنجم ارتباطات از راه دور از سوی شرکت هواوی در رژیم اسرائیل مطرح شد. دلیل دیگر برای مخالفت آمریکا با حضور چین در بخش زیرساخت رژیم اسرائیل به همکاری احتمالی این شرکت‌ها با کشوری نظیر ایران به‌عنوان دشمن و رقیب منطقه-

^۱. Kirya area

ای رژیم اسرائیل باز می‌گردد (Efron, Schwindt & Haskel, 2020: 69). ایالات متحده آمریکا و برخی مقام‌های پیشین رژیم اسرائیلی بیم آن را دارند که در صورت گسترش حضور شرکت‌های چینی در بخش زیرساخت به‌ویژه زیرساخت‌های ارتباطات راه دور این رژیم، این شرکت‌ها اطلاعات حساس و محرمانه رژیم اسرائیل را به طرف‌های ثالث نظیر ایران منتقل سازند.

اهمیت فن‌آوری در روابط دوجانبه

چین از نظر تولید ناخالص داخلی (برابری قدرت خرید)^۱ بزرگترین اقتصاد جهان به‌شمار می‌رود. از زمانی که دولت کمونیستی درهائیش را به روی جهان گشود، به‌دنبال افزایش رشد اقتصادی، بالا بردن نرخ اشتغال، قطع وابستگی چین به نهادها و شرکت‌های خارجی در کنار سرمایه‌گذاری گسترده در زمینه سیاست خارجی و راهبردهای همکاری با جهان خارج بوده است. از آن هنگام، چین دستاوردهای بی‌شماری داشته و از کشوری بسته و منزوی به بزرگترین کارخانه و تولیدکننده جهان تبدیل شد. هنگامی که این کشور تشخیص داد که تولید انبوه همان چیزی است که می‌تواند آن را به اهدافش برساند، کارخانه‌ها را ترغیب کرد با جهان خارج بیشتر کار کنند و در عرصه فن‌آوری سرمایه‌گذاری گسترده‌ای انجام داد. دولت چین که به رشد پیوسته اقتصادی و بهبود سطح رفاه شهروندانش تعهدی راسخ دارد، به این واقعیت پی برد که برای رساندن چین به سطح نخست قدرت جهانی، بایستی این کشور در زمینه فن‌آوری پیشرو باشد. از این رو، دولت‌مردان این کشور برای رسیدن به این هدف برنامه‌ریزی نمودند تا به ابرقدرت فن‌آوری جهان تبدیل شوند (Weitzhandler, 2019).

به موازات رشد چین در زمینه برتری در فن‌آوری و بالا رفتن جایگاه آن، ایالات متحده در حال عقب‌افتادن از رقیب است. هر دو کشور به خوبی می‌دانند که فن‌آوری عرصه‌ای کلیدی به‌شمار می‌رود و تمرکز سرمایه‌گذاری منابع را بر آن قرار داده‌اند تا تسلط و هژمونی در این بخش را از آن خود کنند. این رقابت ابعاد مختلفی دارد و بر اساس ادعای ایالات متحده آمریکا باز گذاشتن دست شرکت‌های چینی برای همکاری با شرکت‌های پیشرو فن‌آوری در دیگر کشورها به‌ویژه در کشورهای متحد آمریکا، از آن‌جایی که هدف شرکت‌های چینی تنها همکاری بازرگانی نیست؛ می‌تواند زمینه‌ای برای جاسوسی دولت چین از کشورهای میزبان و مخاطرات امنیتی برای این دسته از کشورها به‌همراه آورد. این قبیل اعلام خطرهای آمریکا به متحدانش به ویژه در زمینه مشارکت دادن شرکت هواوی^۲ در مناقصه‌های نسل پنجم ارتباطات از راه دور نمود داشته است. رژیم اسرائیل نیز از این اعلام مخاطرات و

^۱ Purchasing Power Parity (PPP)

^۲ Huawei

فشارهای آمریکا بر کنار نمانده است. با این وجود؛ این رژیم تلاش نموده در کنار توجه به ملاحظات ایالات متحده، به همکاری با چین در عرصه فن‌آوری ادامه دهد.

رژیم اسرائیل بیشترین سرانه شرکت‌های نوپا در جهان را دارد. در زمینه سطح نوآوری، این رژیم با نرخ سرانه یک شرکت نوآور به ازای هر ۱۴۰۰ نفر، جایگاه دوم جهانی را از آن خود ساخته است. رژیم اسرائیل همچنین در زمینه شمار مهندسان بالاترین نرخ سرانه را در جهان دارد و دارای دومین نرخ بالای سرمایه‌گذاری در بخش تحقیق و توسعه در میان کشورهای جهان می‌باشد (Daniely, 2020). این رژیم بر اساس آمار سازمان همکاری اقتصادی و توسعه^۱، سالانه ۳.۴٪ تولید ناخالص داخلی خود را در بخش تحقیق و توسعه سرمایه‌گذاری می‌کند. آماري که آن را در این بخش در صدر کشورهای جهان قرار می‌دهد. این در حالی است که کشوری پیشرفته مانند بریتانیا تنها ۱/۱٪ تولید ناخالص داخلی اش را صرف تحقیق و توسعه می‌نماید (Millis, 2018).

شی جین پینگ رئیس جمهور چین در دیدار با نتانیاهاو در ماه مارس ۲۰۱۷ همکاری‌های دوجانبه در بخش فن‌آوری را چنین توصیف کرد: «رژیم اسرائیل به‌عنوان رژیمی نوآور در جهان مشهور شده است و هم‌زمان چین نیز برنامه توسعه بر مبنای نوآوری را به پیش می‌برد. بنابراین، نوآوری به نقطه تمرکز مشترک هر دو طرف تبدیل شده است. این (موضوع) همچنین اولویت همکاری‌های مان می‌باشد» (Baijie, 2017).

مکمل بودن چین و رژیم اسرائیل در زمینه نوآوری موجب شد تا در جریان سفر ۲۱ مارس ۲۰۱۷ نتانیاهاو به پکن، مقام‌های عالی‌رتبه دو طرف «شراکت جامع نوآورانه/در زمینه نوآوری»^۲ را اعلام نمایند. در این دیدار نخست وزیر رژیم اسرائیل بر همکاری فراگیر میان دو طرف با تمرکز بر بخش فن‌آوری و نوآوری در زمینه‌های انرژی پاک، کشاورزی، سرمایه‌گذاری، مالی و خدمات پزشکی تأکید کرد. در بیانیه مشترکی -که به مناسبت انجام این سفر منتشر شد- دو طرف افزون بر توافق در زمینه تبادل و همکاری مشترک متخصصان عرصه نوآوری و ایجاد پارک‌های مشترک فن‌آوری، همکاری نزدیکتر برای کنترل آلودگی هوا، مدیریت پسماند، پایش محیط زیست، ذخیره و تصفیه آب و همکاری در بخش فن‌آوری‌های پیشرفته را از اهداف مورد نظر خود بر شمردند (Xinhua 2017).

با توجه به اهمیت همکاری میان دو طرف در زمینه نوآوری و فن‌آوری‌های نوین، وانگ چیشان^۳ معاون رئیس جمهور چین در سفری چهار روزه در اکتبر ۲۰۱۸ از رژیم اسرائیل دیدار و با نخست وزیر

¹. Organization for Economic Cooperation and Development (OECD)

². Innovative Comprehensive Partnership

³. Wang Qishan

و رئیس‌جمهور این رژیم دیدار کرد. تمرکز این سفر به مانند سفر سال ۲۰۱۷ نتانیاهو به پکن بر همکاری در بخش فن‌آوری بود و در خلال این سفر، چهارمین نشست کمیته مشترک نوآوری میان چین و رژیم اسرائیل^۱ برگزار شد. در جریان این دیدار همچنین، برنامه اقدام سه‌ساله (۲۰۲۱-۲۰۱۸) همکاری مشترک در بخش نوآوری میان معاون رئیس‌جمهور چین و نخست‌وزیر رژیم اسرائیل در کنار هفت موافقت‌نامه دیگر به امضا رسید (Xinhua 2018).

روابط بازرگانی و گردشگری

یکی دیگر از عوامل تأثیر گذار بر روابط دو طرف در دهه‌های اخیر نیاز رژیم اسرائیل به متنوع‌سازی شرکای بازرگانی بوده است. ایالات متحده آمریکا و اتحادیه اروپا شرکای سنتی بازرگانی خارجی رژیم اسرائیل به‌شمار می‌روند. با این حال؛ قدرت‌یابی چین در عرصه اقتصاد جهانی و بالا رفتن جایگاه آن مقام‌های رژیم اسرائیلی را متوجه این کشور نمود. چین در سال‌های اخیر به دومین شریک تجاری رژیم اسرائیل تبدیل شده و امکان آن را دارد در سال‌های پیش رو جایگزین ایالات متحده به عنوان نخستین شریک بازرگانی این رژیم شود. از آنجایی که واردات چین از رژیم اسرائیل به طور عمده قطعات الکترونیک و دیگر محصولات با فن‌آوری بالا می‌باشد، این پیوندها در سوی مقابل برای اقتصاد چین نیز حائز اهمیت است. به‌عنوان نمونه ذکر این نکته ماهیت این روابط تجاری را آشکار می‌سازد که ۷۵٪ از مجموع ۵ میلیارد دلار صادرات شرکت‌های رژیم اسرائیلی به چین در سال ۲۰۱۹ تنها به دو شرکت اینتل و صنایع شیمیایی رژیم اسرائیل اختصاص داشت (Keinon, 2020).

دولت نتانیاهو دست کم از سال ۲۰۱۳ برنامه‌ای مدون برای گسترش همکاری‌ها با کشورهای شرق و جنوب شرق آسیا ارائه نمود. هدف اصلی از ارائه چنین طرحی توجه به واقعیت‌های تازه‌ای است که در عرصه بازرگانی بین‌الملل با افزایش وزن و جایگاه این منطقه جغرافیایی در اقتصاد جهانی روی داده است. این رژیم تاکنون موافقت‌نامه‌های تجارت آزاد را با سه قدرت برتر اقتصادی آسیایی یعنی ژاپن، کره جنوبی و چین به مراحل نهایی رسانده و به زودی این اسناد همکاری امضا و اجرایی می‌شود. در مورد خاص چین؛ رژیم اسرائیل به‌منظور امضای موافقت‌نامه تجارت آزاد تا سال ۲۰۲۰ هشت دور مذاکره انجام داده است (Ben-Gedalyahu, 2020).

گردشگری و ارتباط میان شهروندان دو طرف یکی دیگر از بخش‌هایی است که با رشدی شتابان روبرو است. در حقیقت، شمار چینی‌هایی که به رژیم اسرائیل مسافرت کرده‌اند، از سال ۲۰۱۵ تا ۲۰۱۷

^۱. China-Israel Joint Committee on Innovation Cooperation (JCIC)

دو برابر شده و به یکصد هزار گردشگر رسیده است. این رشد شتابان، چین را در میان کشورهای گردشگر فرست به رژیم اسرائیل از نظر سرعت رشد در مقام نخست نشانده است. برای تسهیل رفت و آمد میان شهروندان، دو طرف در سال ۲۰۱۶ موافقت‌نامه ده ساله دریافت روادید چند بار ورود را امضا کردند. سندی که دولت چین پیش از این تنها با ایالات متحده آمریکا و کانادا امضا کرده بود و رژیم اسرائیل را به سومین مورد در این زمینه تبدیل کرد. این در حالی است که نه در چین اقلیت یهودی زندگی می‌کند و نه رژیم اسرائیل میزبان جامعه مهاجران چینی می‌باشد (Abrams, 2018).

پیامدهای تعمیق روابط چین و رژیم اسرائیل بر جمهوری اسلامی ایران

ایران به‌عنوان یک متغیر کلیدی در روابط چین و رژیم اسرائیل مطرح است و مواضع و اولویت‌های چین در خاورمیانه اغلب در حوزه‌های مربوط به ایران و رژیم اسرائیل تحت تأثیر هم‌دیگر قرار دارد به نظر می‌رسد، در صورت این که روابط در حال گسترش تجاری، سرمایه‌گذاری و فن‌آوری رژیم اسرائیل با چین عمیق‌تر گردد، این احتمال وجود دارد که چین در بعضی حوزه‌ها رژیم اسرائیل را بر ایران ترجیح دهد، همچنین نفوذ رژیم اسرائیل در بخش فن‌آوری و مالکیت معنوی می‌تواند رابطه شرکت‌های چینی را در این حوزه با ایران تحت‌الشعاع خود قرار دهد (کشوریان آزاد، ۱۳۹۹).

بسیاری از شرکت‌های چینی که در بخش زیرساخت یا سرمایه‌گذاری چین فعالیت دارند، در حوزه تجاری ایران نیز فعال هستند. این ریسک وجود دارد که چین شرکت‌های یکسانی در حوزه تجاری ایران و رژیم اسرائیل به‌کار گیرد و از این طریق بتواند در درازمدت از آن‌ها به‌عنوان اهرم سیاسی استفاده کند. از ۳۳ شرکت چینی فعال در حوزه تجارت رژیم اسرائیل که پژوهش اندیشکده رند در سال ۲۰۲۰ مورد بررسی قرار داده است، شرکت زد. تی. ای (ZTE) و گروه تونل راه‌آهن چین، نیز در حوزه تجارت ایران فعال هستند. فعالیت تجاری این شرکت‌ها در رژیم اسرائیل می‌تواند در آینده به حضور آن‌ها در تجارت با ایران ضربه بزند. مثلاً شرکت زد. تی. ای در سال ۲۰۱۰ تحریم‌های آمریکا را نقض کرد و دستگاه نظارتی و شبکه‌ای را به ارزش ۱۳۰.۶ میلیون دلار به ایران فروخت (Stecklow, 2012).

در صورت پیوند عمیق این شرکت‌های تجاری با رژیم اسرائیل آن‌ها راحت‌تر با تحریم‌های آمریکا هم‌سو خواهند شد و احتمال این که از بازار ایران خارج شوند، بیشتر می‌شود. علاوه بر این، در صورتی که رژیم اسرائیل به‌عنوان بازیگر کلیدی در مسیر تجاری ابتکار کمربند راه قرار گیرد و خط راه‌آهن حیف‌خلیج فارس راه‌اندازی شود، نقش خط راه‌آهن ایران، عراق و سوریه بسیار کم‌رنگ خواهند شد. در مجموع در رابطه پکن - تل‌آویو، ایران به‌عنوان یک متغیر اساسی نقش ایفا می‌کند. رفتار چین

در مناسبات با رژیم اسرائیل منفعت طلبانه است و می‌تواند از ایران به‌عنوان یک ورق بازی در روابط با رژیم اسرائیل به‌ویژه در موضوع دستیابی به فن‌آوری پیشرفته استفاده کند.

گسترش روابط تجاری دو طرف می‌تواند تهدیدها تجاری و اقتصادی برای ایران داشته باشد که لازم است به‌صورت دقیق روابط چین و رژیم اسرائیل و تأثیرات آن‌ها بر ایران رصد شود و ایران باید در این زمینه با چین وارد دیپلماسی فعال شود و خطوط قرمز خود را به طرف مقابل یادآوری کند. چین و ایران هر دو بازیگرانی مستقل هستند که منافع خود را پیگیری می‌کنند. در این میان، در برخی حوزه‌های خاص اشتراک مواضع و منافع دارند و در این چارچوب همکاری‌ها و شراکت خود را به پیش می‌برند. جمهوری اسلامی ایران علی‌رغم پیگیری برخی ایده‌ها و راهبردها همچون راهبرد "نگاه به شرق" اما بازیگری مستقل است که بر طبق سیاست‌های اصولی هیچ‌گونه وابستگی به قدرت‌های خارجی چه شرقی و چه غربی ندارد و تنها منافع و دستورات کارهای خود را چه در سطح منطقه‌ای و بین‌المللی دنبال می‌کند و تصمیمات آن تحت تأثیر فشارهای قدرت‌های خارجی نیست. سیاست خارجی چین نیز در دهه‌های اخیر نشان داده است که حکمرانان چینی حتی در موارد بحرانی به خوبی توانسته‌اند که تعارض‌ها و تضادها در سیاست خارجی خود نسبت به کشورها را حل کنند و منافع اقتصادی و تجاری خود را به پیش ببرند. با این‌که نقش رژیم اسرائیل در روابط چین و ایران بسیار مهم است اما عامل تعیین‌کننده نیست. جمهوری اسلامی ایران می‌تواند با تعدیل معضل قطعیت در سیاست خارجی خود، سعی کند بر توسعه تدریجی آن رابطه تأثیر بگذارد اما نمی‌تواند آن را متوقف کند.

نتیجه‌گیری

چین و رژیم اسرائیل روابط رسمی دوجانبه را در سال ۱۹۹۲ پس از یک دوره همکاری‌های مخفی نظامی-بازرگانی آغاز نمودند. همکاری‌های آن‌ها در دهه ۱۹۹۰ به‌طور عمده بر همان مبنای مراودات نه‌چندان گسترده بازرگانی و همکاری‌های با اهمیت نظامی استوار بود. از اواخر این دهه و به‌ویژه در سال‌های آغازین دهه ۲۰۰۰، ایالات متحده آمریکا نسبت به پیوندهای نظامی رژیم اسرائیل با چین حساسیت نشان داد که اوج این واکنش ایالات متحده در اعمال فشار این کشور به رژیم اسرائیل برای لغو دو قرارداد نظامی اش با چین موسوم به «پرونده فالتکون» و «پرونده هارپی» نمودار شد. این کار البته خسارت‌های اقتصادی را متوجه رژیم اسرائیل نمود؛ اما در عین حال سیاست‌مداران و نخبگان نظام تصمیم‌گیری در این کشور را به این نتیجه رساند که با درک حساسیت‌های ایالات متحده آمریکا، در آینده ضرورت دارد منافع ملی خود را مستقل از آمریکا پیگیری کند.

در نتیجه شکل‌گیری چنین تفکری و پس از چند سال سردی نسبی در روابط با چین، رژیم اسرائیل در سال‌های نخست دهه ۲۰۱۰ به ویژه از سال ۲۰۱۳، به از سرگیری قدرتمند همکاری‌ها در زمینه‌های گوناگون اقتصادی و بازرگانی با چین و تغییر ثقل همکاری‌ها از بعد نظامی به زمینه اقتصادی روی آورد. در سال‌های واپسین دهه ۲۰۱۰، دو طرف تلاش نمودند با درک محدودیت‌های موجود در روابط، بر منافع مشترک و زمینه‌های تازه‌ای برای همکاری تمرکز کنند. ابتکار کمربند راه که هم‌زمان با سال آغازین ریاست جمهوری شی جین‌پینگ از آن رونمایی شد و تغییر رویکرد رژیم اسرائیل از تمرکز بر همکاری با شرکای بازرگانی سنتی به یافتن مقاصد تازه بازرگانی در شرق و جنوب شرق آسیا در شکل‌گیری زمینه‌های تازه‌ای برای پیوندها تأثیر به‌سزایی داشت. نیاز چین به فن‌آوری‌های نوین و پیشرفته و هم‌زمان وجود شرکت‌های نوآور و فعال در زمینه فن‌آوری‌های پیشرفته در بخش‌های مختلف کشاورزی، بهره‌وری آب، الکترونیک، مقابله با چالش‌های زیست‌محیطی، فن‌آوری‌های زیستی و پزشکی، ارتباطات ویژه‌ای را میان دو طرف ایجاد کرد که به مهم‌ترین بخش همکاری‌های دوجانبه تبدیل شده است. نیاز رژیم اسرائیل به سرمایه‌گذاری شرکت‌های چینی در بخش‌های مختلف از زیرساخت‌ها گرفته تا شرکت‌های نوآور نیازمند سرمایه خطرپذیر از دیگر عواملی است که بر پیشبرد همکاری‌ها میان چین و رژیم اسرائیل از سال ۲۰۱۸ تأثیر چشم‌گیری گذاشته است. ظهور چین به‌عنوان کشوری با بالاترین شتاب رشد در میان قدرت‌های بزرگ اقتصادی جهان، رژیم اسرائیل را در وضعیتی قرار داده که بی‌توجه به اختلاف‌هایی که در برخی زمینه‌ها با این ابرقدرت اقتصادی دارد و نیز با نادیده گرفتن شکایت‌های گاه و بیگاه ایالات متحده آمریکا از همکاری‌های دوجانبه این رژیم با چین، به همکاری با این قدرت اقتصادی آسیایی ادامه دهد.

منابع و مآخذ

الف) فارسی:

- توحیدفام، محمد (۱۳۸۲). *دولت و دموکراسی در عصر جهانی‌شدن*، تهران: انتشارات روزنه، ۱۱۵ - ۱۱۲.
- توحید فام، محمد و تهرانی زاده، نیلوفر (۱۳۸۸). «نئولیبرالیسم و همگرایی جهانی»، *دانشنامه حقوق و سیاست*، شماره ۱۱، بهار و تابستان، ۶۷-۶۶.
- حاجی زاده، سیروس (۱۴۰۱). «تعمیق مناسبات چین و رژیم صهیونیستی و تأثیر آن بر منافع و امنیت ملی ایران»، *فصلنامه آفاق امنیت*، سال پانزدهم، شماره ۵۷، ۵۳-۱۱.

دهقانی فیروزآبادی، سید جلال (۱۳۷۷)، «نظریه نهادگرایی نئولیبرال و همکاری‌های بین‌المللی»، *مجله سیاست خارجی*، سال دوازدهم، شماره ۳، پاییز، ۵۷۴.

دهقانی فیروزآبادی، سید جلال (۱۳۸۲)، «تحول در نظریه‌های منازعه و همکاری در روابط بین‌الملل»، *فصلنامه پژوهش حقوق و سیاست*، دوره ۵، شماره ۸، ۱۱۶-۷۳.

دهشیار، حسین (۱۳۸۲)، «امنیت، بر بستر همکاری مبتنی بر قدرت»، *فصلنامه سیاست خارجی*، سال هفدهم، شماره ۴، ۹۶۲-۹۵۹.

شیخ الاسلامی، محمد حسن، سلامی زواره، مهدی، فلاحی برزکی، مهرداد (۱۳۹۸)، «اهمیت و جایگاه فناوری برتر در راهبرد سیاست خارجی چین در قبال رژیم صهیونیستی»، *فصلنامه مطالعات روابط بین‌الملل*، سال دوازدهم، شماره ۴۸، ۱۲۸-۹۳.

کشوریان آزاد، محسن (۱۳۹۹)، «تعمیق سیاست‌های چین و رژیم اسرائیل و پیامدهای آن بر ایران، مرکز مطالعات

<https://www.cmess.ir/Page/View/4692/06-03-2021>: آدرس: *استراتژیک خاورمیانه*

ب) انگلیسی:

- Abrams, Elliott. (2018). "What's Behind Israel's Growing Ties With China?". *Council on Foreign Relations*. June 22. Available at: <https://www.cfr.org/expert-brief/whats-behind-israels-growing-ties-china>
- Baijie, An (2017). "Xi: Innovation is 'Common Focus,'" *China Daily*, March 22.: http://www.chinadaily.com.cn/china/2017-03/22/content_28633164.htm.
- Daniely, Yaron (2020), "Israel's Challenging Transformation from Start-up Nation to Scale-up Nation". Available at: https://www.wipo.int/edocs/pubdocs/en/wipo_pub_gii_2020-chapter14.pdf
- Ben-Gedalyahu, Dubi. 2020. "Israel-China free-trade pact seen imminent". *Bilaterals.org*. September 09, available at: <https://www.bilaterals.org/?israel-china-free-trade-pact-seen>
- Chaziza, Mordechai. (2017). "Israel-China Relations Enter a New Stage: Limited Strategic Hedging". *Contemporary Review of the Middle East*. 5. Available at: https://www.researchgate.net/publication/322080780_Israel-China_Relations_Enter_a_New_Stage_Limited_Strategic_Hedging
- Doron, Ella(2019). "Regulation of Foreign Investments and Acquisitions: China as a Case Study". *The Institute for National Security Studies*. Available at: <https://www.inss.org.il/wp-content/uploads/2019/08/Doron.pdf>
- Efron, Sh., Shatz, Howard J., Chan, A., Haskel, E., Lyle J. Morris, Scobell, A., (2019), *The Evolving Israel China Relationship*, Santa Monica: Rand Corporations.
- Efron, Shira. Schwindt, Karen and Haskel, Emily(2020), *Chinese Investment in Israeli Technology and Infrastructure: Security Implications for Israel and the United States*. Santa Monica: Rand Corporations.

- Jeremy Bob, Yonah (2019), “China-Israel hi-tech agriculture projects are booming”. *The Jerusalem Post*. August 4. Available at: <https://www.jpost.com/israel-news/china-israel-hi-tech-agriculture-projects-are-booming-597642>
- Keinon, Herb (2020), “An Israel-China policy is needed now more than ever”, *The Jerusalem Post*, April 5. Available at: <https://www.jpost.com/israel-news/an-israel-china-policy-is-needed-now-more-than-ever-62305>.
- Millis, Joe. 2018. Netanyahu: Israel moved from ‘Start-up Nation’ to being ‘Innovation Nation’. *Jewish News*. November 1. Available at: <https://jewishnews.timesofisrael.com/netanyahu-israel-moved-from-start-up-nation-to-being-innovation-nation/>
- Orion, Assaf, and Galia Lavi, eds. (2019). “Israel-China relations: Opportunities and challenges”. *Institute for National Security Studies*, 2019.
- Ravid, Barak (2020), “U.S. presses Israel to cool ties with China over support for Iran”. *AXIOS* . August 26. Available at: <https://www.axios.com/pompeo-netanyahu-israel-china-investments-iran-9c1c63ab-73c4-4783-a83d-46c50874c8b1.html>
- Robert O. Keohane and Joseph S. Nye Jr. (1987), “Power and Interdependence Revisited”, *International Organization*, Vol. 41, No. 4, Autumn 1987, pp. 728-9.
- Shai, Aron (2009), “Sino- Israeli Relations: Current Reality and Future Prprospects”. *Institute for National Security Studies (INSS)*, (pp 27-28)
- Scissors, Derek (2018), “Private Data, Not Private Firms: The Real Issues in Chinese Investment,” *American Enterprise Institute*. January 10. At: <https://www.aei.org/research-products/report/private-data-not-private-firms-the-real-issues-in-chinese-investment/>
- Steve Stecklow (2012), “Special Report: Chinese Firm Helps Iran Spy on Citizens,” *Reuters*, March 22.
- Wang, Bijun. Mao, Rui and Gou, Qin (2014), “Overseas Impacts of China’s Outward Direct Investment”, *Asian Economic Policy Review*, Vol 9, Issue 2, July. pp 227-249.
- Weitzhandler, Adi (2019), “ Can Israel win the trade war?. *The Times of Israel*. December 2. Available at: <https://blogs.timesofisrael.com/can-israel-win-the-trade-war/>
- Williams, Dan (2012), “ Israel Plans Red-Med Rail Link to Take Suez Overflow”, *Reuters*. January 29. Available at: <https://www.reuters.com/article/us-israel-railway-idUSTRE80S0KC20120129>
- Xiao Xian (2018), “The Belt and Road Initiative and China-Israeli Relations”, *Journal of Middle East and Islamic Studies* (in Asia). July (p 13). Available at: <https://www.tandfonline.com/doi/abs/10.1080/19370679.2016.12023285>.
- Zhu, Zhiqun. (2019), “ China–Israel Relations: Past, Present and Prospect”, *East Asian Policy*. 11. 37-45. Available at: https://www.researchgate.net/publication/338743220_China-Israel_Relations_Past_Present_and_Prospect
- . Israel International Relations: Israel-China Relations. Available at:

<https://www.jewishvirtuallibrary.org/israel-china-relations>

- . The Origins and Evolution of Palestine Problem, 1978. Available at: <https://unispal.un.org/unispal.nsf/9a798adbf322aff38525617b006d88d7/d442111e70e417e3802564740045a309?OpenDocument#In%20favour%3A%20Australia%2C%20%20%20>
- PM Netanyahu meets with Chinese FM Wang Yi. Israel Ministry of Foreign Affairs. December 18. Available at: <https://mfa.gov.il/MFA/PressRoom/2013/Pages/PM-Netanyahu-meets-with-Chinese-FM-Wang-Yi-18-Dec-2013.aspx>
- . China, Israel Announce Innovative Comprehensive Partnership. Xinhua. 2017 March, 21. Available at: http://www.xinhuanet.com/english/2017-03/21/c_136146441.htm
- ---- .China, Israel Vow to Push for more Fruitful Innovation Cooperation. Xinhua, 2018 October 10. Available at: http://www.xinhuanet.com/english/2018-10/26/c_137558904.htm
- ---- Chinese-Israeli Ties are Stronger Than Ever-and The US is Alarmed". **TRTWORLD**. June 28. available at: <https://www.trtworld.com/magazine/chinese-israeli-ties-are-stronger-than-ever-and-the-us-is-alarmed-27874>

